

خانم مهندس باند جعل و کلاهبرداری را لو داد



شناسه خبر: ۱۳۸۹۸۱ دوشنبه ۲۱ اسفند ۱۴۰۲ - ۰۸:۰۴

تحصیلکرده فرانسه که پس از همدستی با یک باند جعل برای باز کردن قفل در خانه‌ها دستگاهی شبیه مسواک اختراع کرده بود، با هوشیاری زن همسایه به دام افتاد.

به گزارش موج خبر، چند روز قبل زن جوانی با پلیس تماس گرفت و از شکسته شدن قفل در ورودی خانه همسایه‌شان خبر داد. زن جوان گفت: در حال پاک کردن شیشه‌های خانه بودم که چشمم به خانه روبه‌رویی افتاد. صاحب این خانه قدیمی مدتی است به خارج از کشور رفته و خانه خالی است. البته در چند روز گذشته از همسایه‌ها شنیده بودم که چند مرد ناشناس رفت و آمد مشکوکی به این خانه دارند تا اینکه امروز دیدم مردی با موهای جوگندمی و میانسال قفل در خانه را در چشمم برهم زدنی شکست و وارد خانه شد. لحظاتی بعد از ورود او چند نفر دیگر هم وارد خانه شدند. این را هم بگویم که آنها وسایل نقشه‌برداری و اندازه‌گیری با خودشان داشتند. چون خودم مهندس هستم و با وسایل نقشه‌برداری آشنایی کامل دارم.

به‌دنبال تماس خانم مهندس، مأموران کلانتری در غرب تهران راهی خانه شدند اما قبل از رسیدن مأموران، افراد ناشناس آنجا را ترک کرده بودند. دو روز از این ماجرا گذشته بود که دوباره زن همسایه با مأموران پلیس تماس گرفت و گفت:

همان مرد مو جوگندمی، بازهم آمده و تصمیم دارد قفلی را که با کمک همسایه‌ها به در خانه قدیمی زده‌ایم، دوباره باز کند.

مأموران بلافاصله راهی محل شده و این‌بار موفق شدند مرد میانسال را بازداشت کنند. متهم در تحقیقات به سندسازی و فروش خانه‌هایی که خالی از سکنه بودند با همدستی سه مرد دیگر اعتراف کرد. به دستور بازپرس شعبه سوم دادسرای ویژه سرقت تحقیقات برای دستگیری سایر اعضای این باند ادامه دارد.

مسواکی که قفل باز می‌کرد

تحصیل کرده فرانسه است و خرید یک موتور سرقتی، زندگی او را دستخوش مشکلات زیادی کرد.

چه شد که تصمیم گرفتی با این شیوه سرقت کنی؟

تخصص تعمیرات خودروهای لوکس و آنتیک است و حتی دوره‌های حرفه‌ای آن را در فرانسه دیده‌ام و اقامت آنجا را داشتم. مدت‌ها آنجا کار می‌کردم تا اینکه با ۴ فرانسوی دعوایم شد و از آن کشور اخراج کردند. این اولین بدشانسی بود که آوردم و پشت سر آن بدشانسی‌ها ادامه یافت. بعد با همسرم به مشکل خوردم و زندگی‌مان که زبانزد عام و خاص بود، رو به نابودی رفت. در همین گیر و دار موتورسیکلتی خریدم که از شانسم دزدی از آب درآمد و به اتهام خرید مال مسروقه به زندان افتادم.

با کلاهبرداری و جعل چطور آشنا شدی؟

در زندان با گروه حرفه‌ای جعل و کلاهبرداری آشنا شدم. آنها دست روی خانه‌هایی می‌گذاشتند که به هر دلیلی صاحبشان نبود. بعد از آزادی آنها به سراغم آمدند و از من خواستند در کلاهبرداری‌ها و فروش این خانه‌های میلیاردری بلاصاحب همراهشان شوم.

چرا سراغ تو آمدند؟

در همان زندان آموزش باز کردن انواع قفل را گذراندم و در این رابطه به قدری استعداد داشتم که هر قفلی را

می توانستم باز کنم. وارد خانه ها می شدیم و با وسایل مهندسی مترآژ خانه را به دست می آوردیم تا در سندهایی که می خواستیم جعل کنیم، مترآژ را بنویسیم و بتوانیم کارهای مالیاتی و شهرداری اش را انجام دهیم. کارها خوب پیش می رفت تا اینکه سر دسته به من پیشنهاد وسوسه کننده ای داد که باز هم به در دسر افتادم.

چه پیشنهاد وسوسه کننده ای؟

به من گفت باتوجه به اینکه مهارت زیادی در باز کردن قفل ها داری، دستگاهی بساز که هر قفلی را بشود با آن باز کرد چرا که شاه کلیدها فقط به یک گروه قفل ها می خورد و مثلاً هر قفلی مخصوصاً قفل خانه های قدیمی را نمی شود با آنها باز کرد. من هم به سفارش سر دسته و از آنجایی که در فرانسه آموزش های زیادی دیده بودم و در زندان هم این آموزش ها تکمیل شده بود، دستگاهی ساختم شبیه مسواک که هر قفلی را باز می کرد. اما یک روز مرا به محلی پرت کشانده و دستگاه را سرقت کردند. دستگاهی که در ۳۰ ثانیه تمامی قفل ها را باز می کرد. اما دستگاه کد داشت و همدستانم از این ماجرا باخبر نبودند. من بعد از آن دیگر آنها را ندیدم و خبری از آنها به دست نیاوردم اما عملاً دستگاه به درد آنها نمی خورد چرا که رمز دستگاه دست من بود.

بعد چه اتفاقی افتاد؟

مدتی کار خلاف را گذاشتم کنار تا اینکه فرشید به سراغم آمد. فرشید هم با همان باند جعل کار می کرد و به او هم رو دست زده بودند. با فرشید دوباره کار خلاف را آغاز کردم. روش کار ما به این صورت بود که فرشید در خیابان ها پرسه می زد و خانه های خالی را شناسایی می کرد و موقعیت مکانی این خانه ها را برایم می فرستاد.

بعد مرا به خانه ها می فرستاد تا قفل درها را برایش باز کنم. او با تیمی که داشت، وارد خانه های مورد نظر می شد و بعد از اندازه گیری و مترآژ برداری، سندسازی می کرد و آنها را می فروخت.

منبع: روزنامه ایران

انتهای پیام/

